

نوع مقاله: پژوهشی

انگاره‌های فرجام‌گرایانه در معراج پیامبر ﷺ و ارداویراف‌نامه

Zalizadehbirjandi@Birjand.ac.ir

زهره علیزاده بیرجندی / دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

چکیده

فرجام‌گرایی از جمله مباحث اساسی در حوزه دین‌پژوهی و از دغدغه‌های ذهنی بشر به‌شمار می‌آید. این دغدغه به شیوه‌های گوناگون در متون دینی و آثار ملل بازتاب پیدا کرده است. یکی از جایگاه‌های طرح‌انگاره‌های فرجام‌گرایانه، معراج‌نامه‌ها و سفرنامه‌های روحانی است. درون‌مایه معراج‌نامه‌ها که بر اخلاقیات و التزام به اعمال خیر و احتراز از گناه و کردارهای ناشایست استوار است، متضمن طرح مبانی فرجام‌شناسی است. انجام مطالعات تطبیقی با رویکرد فرجام‌شناسی از جنبه‌های گوناگون، به‌ویژه معرفت ادیان حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت این‌گونه مطالعات، هدف نوشتار حاضر بررسی تطبیقی معراج پیامبر اکرم ﷺ با سفر ارداویراف با رویکرد فرجام‌شناسی است. این بررسی که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، کوشیده است تا شرایط و زمینه‌های مؤثر بر تکوین این سفرها و نمودهای فرجام‌گرایی در این آثار را واکاوی نماید. یافته‌های حاصل از این بررسی، به‌ویژه همسانی‌های موجود در «ارداویراف‌نامه» و روایت‌های معراج پیامبر ﷺ نشانگر غایت‌مندی عالم، معناداری هستی و باور به رستاخیز و سلسله مراتب نیکوکاران و بدکاران در این متون است.

کلیدواژه‌ها: فرجام‌گرایی، معراج پیامبر ﷺ، ارداویراف‌نامه، بهشت، دوزخ.

در متون دینی و ادبیات ملل آثار متعددی با درون‌مایه‌های فرجام‌گرایانه و دغدغه‌های ذهنی نسبت به عالم پس از مرگ و مجردات وجود دارد. معراج‌نامه‌ها نمونه‌ای از این آثار به‌شمار می‌آید که از منظر مطالعات تطبیقی ادیان و حیات دینی اقوام در خور تأمل است. مطالعات تطبیقی در باب معراج‌نامه‌ها و سفرهای روحانی افزون بر آشکار ساختن نقاط وحدت اندیشه بشری، یادآور جلوه‌هایی از سیر و سلوک، پیوندهای اخلاق و حیات دینی و ضرورت مکافات عمل و اشتراکات مبانی معرفت‌شناسانه در این آثار است. توصیف عوالم پس از مرگ و ترسیم چشم‌اندازی از صحنه‌های پاداش و عقوبت در معراج‌نامه‌ها با هدف هدایت غافلان، ارشاد منکران و تحکیم باورهای دینی رخ نموده و در این میان، شرایط زمانه و بروز آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نیز در تکوین این سفرها دخالت داشته است.

با توجه به اهمیت این آثار و جایگاه این سفرها از جنبه معرفت‌شناسانه، نوشتار حاضر می‌کوشد ضمن بررسی تطبیقی معراج پیامبر ﷺ و سفر اردویراف، انگاره‌های فرجام‌گرایانه و نمودهای آن را در این آثار تحلیل کند. در این بررسی جست‌وجوی علل بازتاب انگاره‌های فرجام‌گرایانه و دستاوردهای آن از منظر مطالعات دین‌پژوهانه مد نظر قرار گرفته است. بررسی پیشینه این بحث نشان می‌دهد که اگرچه آثار متعددی در مقایسه اردویراف‌نامه با سایر آثار این حوزه نگاشته شده، اما در مقایسه رویداد معراج پیامبر ﷺ با سفر اردویراف از جنبه فرجام‌شناسی کاری صورت نگرفته است.

نمودهایی از اندیشه فرجام‌شناسی در ادیان

باورهای مربوط به فرجام انسان و جهان تقریباً در تمام ادیان به چشم می‌خورد و پرسش‌های بنیادین بشر همواره به سمت این باورها سوق داده شده است تا به سرنوشت خود و جهان بیندیشد. عمده‌ترین تجلیگاه این باورها ادبیات دینی است که نمونه‌های آن را می‌توان در متون مسلمانان، زردشتیان، هندوها (مهابهاراتا) و سایر ادیان مشاهده کرد (دهقان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱). اندیشه فرجام‌شناسی بر اصولی همچون غایت‌مندی عالم، معناداری هستی و باور به رستاخیز اتکا دارد (تورانی و سلطان‌احمدی، ۱۳۹۳، ص ۴-۶).

یکی از شالوده‌های اصلی اندیشه فرجام‌گرایی ضرورت «مکافات عمل» است. این اندیشه پیوندهای میان اخلاق با حیات دینی را بر مبنای رابطه بین تکلیف و پاداش نشان می‌دهد. ضرورت مکافات عمل همچنین به نوعی مبین امر و نهی شریعت و وعده و وعید شارع نیز هست. در واقع بدون تأیید و تسلیم به ضرورت آن، خیر و شر در اعمال انسانی توجیه نمی‌یابد.

این مکافات عمل در بعضی مظاهر، مانند ادیان هندی نتیجه عمل (کارما) تلقی می‌شود و استمرار این نتیجه و استكمال آن در اطوار گوناگون حیات به‌عنوان نوعی مکافات اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در بین اقوام باستانی، نظیر مصر، بابل و اقوام قدیم بین‌النهرین شواهد متعددی از داوری در اعمال مردگان وجود دارد. در عهد عتیق و عهد

جدید هم قول به رستاخیز و حیات بعد از مرگ مطرح شده است. در اسلام هم روز رستاخیز روز جزا، (یوم‌الدین) محسوب می‌شود و انسان در برابر آنچه کرده است، مسئول خواهد بود. اینکه خیر و شر اعمال انسان بعد از حیات این جهانی منجر به پاداش آن جهانی می‌شود، در ادیان گوناگون به تصویر عالم بعد از حیات صبغه‌های گوناگونی بخشیده است (زرین کوب، ۱۳۶۹، ص ۴۰۱).

در عهد عتیق محل استقرار مردگان هاویه‌ای است که تمام رفتگان از نیک و بد به آنجا می‌روند (همزایر، ۱۵:۴۹؛ ایوب، ۲۱:۱۰). در اجزای تازه‌تر عهد عتیق سرنوشت نیکان از بدان جدا می‌شود. نیکان وارد حیات جاودانی می‌گردند و شریبان به خجالت و حقارت دچار می‌آیند (دانیال، ۲:۱۲). در عهد جدید نیز بیان می‌شود که گنهکار بعد از مرگ به عذاب آتش گرفتار می‌آید (لوقا، ۱۶: ۲۳-۲۵).

در آیین زردشت وجود پُل چینود به‌معنای «پل آزمایشنده یا بازشناسنده» و داوری فردی، بحث بهشت و دوزخ و «همستگان»، جملگی نمونه‌هایی از عناصر فرجام‌شناسی زردشتی به‌شمار می‌آیند (حسن زاده و زهانی‌زهان، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵-۲۴۷).

جان ناس نیز در تبیین اعتقادات آیین زردشت، به باورهای فرجام‌گرایانه آنها با آوردن توصیفات در باب بهشت و دوزخ و اعتقاد به رستاخیز، با استناد به گاتاها اشاره کرده است (ناس، ۱۳۶۹، ص ۴۶۵).

تصویری که در ادبیات اقوام عالم از عقاب و ثواب دوزخ و بهشت ترسیم گردیده حاکی از آن است که نیک و بد اعمال انسان بدون پاداش نمی‌ماند. در میان ادبیات دینی، رساله پهلوی *ارداویراف‌نامه* یک تصویر زردشتی، و *کمندی الهی* دانتیه یک تصویر مسیحی را عرضه می‌کنند (زرین کوب، ۱۳۶۹، ص ۴۰۲).

نظریات مطرح در باب ماهیت معراج پیامبر ﷺ

«معراج» در لغت به‌معنای «گردبان» و در اصطلاح دینی، گذار از زندگی زمینی و دنیایی و سیر در عالم فرامادی است. این اصطلاح نزد مسلمانان و متون اسلامی، به سفر آسمانی پیامبر ﷺ اطلاق می‌گردد که از طریق وحی و معجزه بوده است. این واژه همچنین به دریافت‌های شهودی عرفا و متفکران که در عالم خلوت آن را تجربه کرده‌اند نیز اطلاق می‌شود. در این زمینه می‌توان به *معراج‌نامه* بایزید بسطامی، *تذکرة الاولیاء*، *ارداویراف‌نامه* و *کمندی الهی* دانتیه اشاره کرد (سرامی و ساعدی، ۱۳۸۹، ص ۸۰).

اعتقاد به معراج پیامبر ﷺ از موضوعات مقبول و متفق علیه در بین مسلمانان (شیعه و سنی) است و اصل آن ریشه قرآنی دارد. در آن شب، پیامبر ﷺ با اراده الهی پس از سیر در عوالم هستی و ملاحظه حقایقی از عالم برین و درجات بهشتی و درکات جهنمی، تعدادی از افراد امت خود را ملاحظه کردند و پس از دیدار با تعدادی از انبیای سلف، از سفر بازگشتند. واگویی حقایق مشاهده شده با واکنش سلبی و منفی قریش مواجه شد. اگرچه از سوی صاحب‌نظران و متفکران اصل پدیده معراج پذیرفته شده، ولی چگونگی آن از دیرباز محل بحث بوده و درباره آن رویکردهای گوناگونی اتخاذ شده است.

در توجیه و تفسیر نحوه کیفیت و نوع معراج، میان اندیشمندان اسلامی اختلاف وجود دارد. تعدادی این سفر خاص را جسمانی و تعدادی روحانی می‌دانند. تفسیر روحانی معراج به چند زیرشاخه تقسیم می‌شود: وقوع در خواب، با فکر و عقل، و سیر روحانی در بیداری که مرز مشخصی با حالت خواب و سیر فکری دارد.

۱. رویکرد خاص تعدادی از عرفا: این رویکرد هم اگرچه قابل درج در رویکرد تفسیر روحانی است، اما به علت استفاده از ادبیات نمادین، در دسته‌بندی جداگانه‌ای قرار گرفته است (میرزایی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۵).

۲. رویکرد معروف و مشهور و معهود: سیر شبانه پیامبر ﷺ با تشریفات ویژه از بیت‌الحرام به بیت‌المقدس و صعود به عوالم بالا در بیداری و با جسم و در معیت فرشتگان مقرب با مرکبی خاص؛ بیشتر متکلمان و مفسران و محدثان شیعه و سنی به این نظر قائلند. ملاحظه و سنواری با وجود پذیرش ظاهری آن، با مطالب ذوقی درصدد توجیه آن هستند، هرچند مطالبشان وضوح کامل ندارد.

۳. رویکرد تأویلی که سه نوع است:

الف) عروج در عالم رؤیا که به معاویه و عایشه منتسب است. در این زمینه، نه‌تنها متفکران شیعه به این نظر بی‌اعتنایی کرده، بلکه بیشتر اهل سنت نیز با آن مخالفاند.

ب) سیر با فکر و عقل؛ این نظر متعلق به ابن‌سینا است.

ج) سیر تا بیت‌المقدس با جسم و از آنجا به عوالم بالا با روح؛ برخی از مفسران اهل سنت و محمدحسین طباطبائی توجه محتاطانه‌ای به آن داشته‌اند. این سیر روحانی هم با دو دیدگاه بیان شده است: یکی سیر روحانی با وجود استقرار روح در بدن، شبیه خواب؛ و دیگر مکاشفه با جدایی روح از آن، همانند آنچه درباره مرگ اختیاری عرفا گفته می‌شود.

شیخ صدوق در کتاب *اعتقادات*، معراج، سؤال قبر، وجود بهشت و دوزخ و شفاعت را از ضروریات مذهب شیعه دانسته و انکار معراج را بسان انکار پیامبر اکرم ﷺ شمرده است. در این زمینه، علامه محمدباقر مجلسی در کتاب *حیة القلوب*، فصلی را به معراج اختصاص داده است. از نظر وی، معراج پیامبر ﷺ هم جسمانی و هم روحانی بوده است (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۱۱، ۱۲). علامه طباطبائی، در *تفسیر المیزان* نظر خود را درباره کیفیت معراج این‌گونه بیان می‌کند:

اصل معراج طبق صریح قرآن و روایات متواتر (بسیار) قابل انکار نیست؛ اما در مورد چگونگی معراج ظاهر آیه اول سوره اسراء بیانگر آن است که معراج پیامبر ﷺ از مکه تا بیت‌المقدس با جسم و روح بوده است، ولی معراج او از بیت‌المقدس تا آسمان‌ها امکان دارد که گفته شود: روحانی بوده است. «روحانی» نه به معنای خواب و شبیه خواب؛ زیرا اگر خواب و شبیه خواب بود دیگر جا نداشت آیات قرآن آنقدر درباره آن قدرت‌نمایی کند و در مقام امتنان و اثبات کرامت درباره آن حضرت برآید و جا نداشت که قریش به شدت آن را انکار کنند...، بلکه مقصود از روحانی بودن این است که روح مقدس آن حضرت به آسمان‌ها عروج نموده است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۳۱-۳۲).

علامه طباطبائی در ذیل تفسیر آیات آغاز سوره نجم، توضیح و نظریه خود را چنین بیان می‌کند:

این شهر آشوب در مناقب می‌گوید: شیعه امامیه معتقدند که معراج پیامبر ﷺ از مکه تا بیت‌المقدس - چنان‌که آیه اول سوره اسراء بر آن دلالت دارد - با جسم و روح (یا هم) بوده است، ولی در مورد چگونگی معراج آن حضرت از بیت‌المقدس تا آسمان‌ها با هم اختلاف کرده‌اند. بعضی معتقدند: آن هم با روح و جسم (یا هم) بوده و بسیاری از شیعیان همین نظر را دارند، ولی بعضی این قسمت از معراج را روحانی می‌دانند؛ چنان‌که بعضی از متأخرین به این نظریه تمایل نموده‌اند...

آنگاه علامه طباطبائی می‌نویسد: «عیبی ندارد که قائل به روحانی بودن این قسمت از معراج (یعنی معراج از بیت‌المقدس تا آسمان‌ها) شویم، اگر قرائن دربرگیرنده از آیات و روایات آن را تأیید کند... (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۶، ص ۴۱، ۴۲، ۴۳).

از محققان خارجی، مایکل سلز و آنهماری شیمل نیز درباره معراج نظراتی داده‌اند. مایکل سلز، قرآن‌پژوه آمریکایی، درباره معراج پیامبر اکرم ﷺ بر سه موضوع تأکید می‌کند: اینکه واژه معراج در قرآن به کار نرفته و درباره آن توضیح کافی داده نشده است. دیگر اینکه قرآن بیان می‌کند که [حضرت] محمد ﷺ هیچ معجزه‌ای متفاوت از معجزه خدایی خود، یعنی قرآن نیاورده، و معراج پیامبر ﷺ در رؤیا صورت پذیرفته است و در این باره اطلاعات اندکی در سوره اسراء یافت می‌شود. همچنین او تلاش کرده است تا واقعه معراج را برگرفته از آیین‌های یهود و بوداییسم جلوه دهد.

در مقابل، آنهماری شیمل معراج پیامبر ﷺ را برگرفته از آیه نخست سوره اسراء می‌داند و بر این باور است که دو سیر (افقی و عمودی) برای پیامبر اکرم ﷺ اتفاق افتاده است و معراج را معجزه الهی می‌داند (ایزدی و محمدی نبی‌کندی، ۱۳۹۴، ص ۴۳). شیمل بر این باور است که یک سیر شبانه یا اسراء که به وسیله براتی به همراه جبرئیل از مکه تا مسجدالاقصی بوده، و دو سیر آسمانی که از مسجدالاقصی آغاز شده و تا آسمان هفتم به طول انجامیده که این سیر همان معراج است (شیمل، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸-۲۷۹).

بررسی داستان معراج و ساختار کلامی قرآن در واژگانی همچون «ملکوت، آسمان، تمثیل و عروج» و عطف توجه به مراتب عالم هستی و نظام کائنات و ادراک خطوط فاصل بین آنها و امکان ادراک انسان و سیر او در عوالم برین، همچنین براساس نظریه برخی مفسران، همانند طباطبائی، سیر با جسم عنصری از بیت‌الحرام تا بیت‌المقدس با قدرت غیر عادی و از آنجا با روح به عوالم برین را نسبت به سایر دیدگاه‌ها، موجه‌تر می‌نماید (میرزایی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۷).

آیه اول سوره اسراء و آیات آغازین سوره نجم مهم‌ترین آیاتی هستند که مسلمانان مرجع آنها را سفر شبانه پیامبر ﷺ دانسته‌اند. آیه اسراء آشکارا دلیل معراج را نشان دادن آیات خداوند به پیامبر ﷺ می‌داند. همین مبحث در سوره نجم نیز تحت عنوان «آیات‌الکبری» تکرار می‌شود. واژه «آیه» در قرآن کریم به معنای «حجت، معجزه یا

عمل خارق‌العاده‌ای که می‌تواند شک کافران را به ایمان تبدیل کند» آمده است. در واقع آیه بیانگر قدرت خداوند در هستی است (عباسی و بهمنی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۲).

در شب معراج علاوه بر مشاهده آثار و نشانه‌های عظمت پروردگار، پیامبر ﷺ ملاقات‌هایی با سایر انبیای الهی داشتند که - به ترتیب - عبارتند از:

- ملاقات با پیامبران در مسجدالاقصی؛
- ملاقات با خازن دوزخ در آسمان اول؛
- ملاقات با حضرت آدم در آسمان اول؛
- ملاقات با حضرت عیسی و یحیی در آسمان دوم؛
- ملاقات با حضرت یوسف در آسمان سوم؛
- ملاقات با حضرت ادریس در آسمان چهارم؛
- ملاقات با حضرت هارون در آسمان پنجم؛
- ملاقات با حضرت موسی در آسمان ششم؛
- ملاقات با حضرت ابراهیم در آسمان هفتم (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱، ۱۴۵).

نمودهای فرجام‌گرایی در رویداد معراج

در شکل‌گیری رویداد معراج و نمودهای فرجام‌گرایانه آن، شرایط زمانه و مسائل سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بوده است. انتقاد پیامبر ﷺ از خصلت‌های جاهلی و شیوه‌های غیرانسانی آن عهد، به‌ویژه پس از آشکارشدن دعوت، بر انکار کفار قریش و دشمنی آنان با رسول خدا ﷺ افزود و برای نشان دادن منزلت پیامبر ﷺ این رویداد رقم خورد (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ص ۱۹۳). در واقع مشیت الهی بر آن قرار گرفت تا پیامبر ﷺ به معراج رفته، جلوه‌هایی از بهشت و دوزخ، عذاب الهی، پاداش نیکوکاران و فرشتگان تسبیح‌گوی پروردگار را ببیند و آیات بزرگ الهی را به‌مثابه سندی دال بر رسالتش برای آنها بازگو کند. آنچه را/ابن‌هشام از واقعه معراج نقل کرده، با شرایط اخلاقی و فساد حاکم بر جامعه آن روزگار و ردیلت‌های شایعی همچون رباخواری، تعدی به اموال دیگران - به‌ویژه یتیمان - و زن‌باره‌گری اعراب جاهلی انطباق دارد (خرغام و عظیمی، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

در ذیل، برخی از مشاهدات پیامبر ﷺ از قول ابن‌هشام نقل شده است:

- خوردگان مال یتیم و عقوبت آنها: خوردن سنگ‌پاره‌های آتشین و خروج آن سنگ‌پاره‌ها از زیر آنها؛
- رباخواران و عقوبتشان: شکم‌های آماس کرده، خروج قوم فرعون از دوزخ و پایمال شدن رباخواران توسط قوم فرعون؛
- روابط نامشروع مردان متأهل با زنان دیگر و عقوبت آنها: خوردن گوشت گندیده، با وجود اینکه طبقی از گوشت فربه و نیکو مقابلشان قرار داشت؛

- زنان خیانتکار به شوهرانشان و عقوبت آنها: آویخته شدن از پستان‌هایشان (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱-۲۰۲). پیامبر ﷺ آنچه را از عقوبت این گناهان و خیانت‌ها دیده بودند، برای اصلاح زندگی مردم و اخلاقیات جامعه برای اعراب بازگو کردند (ضرغام و عظیمی، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

از دیگر رخداد‌های این سفر، محسور شدن پیامبران و نماز خواندن حضرت محمد ﷺ با آنها و گواهی سایر انبیا بر یگانگی خداوند و رسالت نبی اکرم ﷺ بود. برخی از نویسندگان براساس این صحنه، هدف معراج را پیوند ادیان توحیدی از زمان حضرت ابراهیم علیهما السلام تا حضرت محمد ﷺ دانسته‌اند (همان، ص ۳۵). این پیوند همچنین متضمن پیوندهای فرجام‌گرایانه در ادیان توحیدی نیز هست؛ زیرا وجه غالب رویداد معراج، ابعاد و مضامین فرجام‌گرایانه آن است.

یکی از جلوه‌های فرجام‌گرایی در بحث معراج، نیل به بالاترین درجات کمال انسانی، یعنی «قاب قوسین» است. این موضوع یکی از پرسامدترین مباحث مطرح در متونی است که درباره معراج نگاشته شده است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۷۱-۷۲).

در معراج‌نامه‌ها و در اشعار فارسی می‌توان این مطلب را یافت:

ز صحن خاک در یک طرفه‌العین برآمد تا فضای قاب قوسین

(عطار، ۱۳۶۱، ص ۱۸)

در کتاب **قصص قرآن** از زبان پیامبر ﷺ نقل شده است: «به سدره‌المنتهی رسیدم. چون آنجا رسیدم، جبرئیل بایستاد. گفتم: چرا فراتر نیایی؟ گفت: یا محمد، مرا این مفرم، از اینجا اگر قدمی فراتر آیم، سوخته‌گردم» (شاکر، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲).

در فصل بیستم **مصادرالعباد** نیز نویسنده با اشاره به آیه «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكُتُبَ» مطلبی را با عنوان «وصول به حضرت خداوندی» آورده و وصول بدان حضرت را نه از طرف بنده، بلکه از عنایت بی‌علت و تصرف جذبات اولوهیت دانسته است (همان، ص ۱۴۱). عرفا وصول الی‌الله را که متضمن لقای پروردگار است، هدف سلوک و مرحله نیل به حقیقت دانسته‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۷۱، ص ۲۷۱).

برخی بر این باورند که رسیدن به سدره‌المنتهی حاکی از شهود باطنی پیامبر ﷺ است (سگای، ۱۳۸۵، ص ۲۹). از این‌رو در این مرحله اقوال و روایاتی که در باب سخن گفتن علنی با خدا، دیدن پروردگار، با او بر تخت نشستن و امثال آن نقل شده به علت آنکه ظاهرش متضمن جسمانیت خدا و شباهت خدا به خلق است، مطرود است (طباطبائی، ج ۱۳، ص ۵۱-۵۲).

در انگاره‌های فرجام‌شناسانه اسلام، همان‌گونه که از ضرورت معاد، حکیمانه بودن آفرینش و تحقق وعده الهی یاد شده، ضرورت تکامل انسان هم مطرح گردیده است (گواهی و معینی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۱۸). همه این مضامین در واقعه معراج بازتاب دارد.

مراحل و کیفیت سفر اردویراف

اردویرافنامه کتابی از متون پهلوی است که به دنیای پس از مرگ و باورهای زردشتیان می‌پردازد. این کتاب بازتاب بخش بزرگی از باورها و اعمال زردشتیان دوره ساسانی است. شخصیت اصلی کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برخی احتمال داده‌اند که او همان وزیر خسرو/نوشیروان است. برخی نیز چون موله برآند که شخصیت اصلی، یعنی *اردویراف* بنیانگذار آیین جدیدی است (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲).

در *اردویرافنامه*، *ویراف* یا *ویراز* شخصی است که از میان هفت تن به سبب گفتار و کردار درستش برگزیده شده است. او پس از این کشف و شهود مؤمن‌تر از پیش بازمی‌گردد و صلاحیت پیامبری/اورمزد را می‌یابد. *اورمزد* او را مأمور می‌کند که به جهان مادی برگردد و جهانیان را به «گفتار نیک»، «کردار نیک» و «پندار نیک» رهنمون سازد (سلطانی و قربانی جویباری، ۱۳۹۲، ص ۴۲). این سفر معنوی از آتشکده «آذر فرنیغ» که از آتشکده‌های مهم ایران باستان است، آغاز گردید. *اردویراف* پس از نوشیدن مایع مخدری به دیدار از بهشت و دوزخ فراخوانده شد (ژینیو، ۱۳۷۲، ص ۱۲، مقدمه مترجم). در نخستین فرازهای *اردویرافنامه* علت این سفر بروز شک و الحاد و بدگمانی در آراء دینی ذکر شده و این امر سبب انتخاب *اردویراف* برای انجام این سفر است (همان، ص ۳۹-۴۰).

ویراف مراحل گوناگون سفر خود را با واژه «دیدم» بازگو می‌کند. از این رو او یک ناظر به‌شمار می‌آید (همان، ص ۴۴). «درون مایه» (یعنی: فکر) اصلی و مسلط (مکاریک، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰) بر اخلاقیات، آموزش و آگاهی‌بخشی است (همان، ص ۵۳). *اردویرافنامه* پر از شخصیت‌هایی است که در دوزخ، بهشت و برزخ استقرار یافته‌اند. این شخصیت‌ها افرادی هستند که کار زشت و ناپسند کرده‌اند و در نتیجه به سختی مجازت می‌شوند، یا افرادی نیک‌سرشت‌اند و اعمالی پسندیده دارند و به‌واسطه این اعمال در بهشت پرنعمت و آسوده‌اند (همان، ص ۴۷).

در آیین زردشت، «روان» یکی از نیروهای باطنی انسان است که مسئولیت کردار و رفتار آدمی را به عهده دارد (سرگلزایی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵). در فرگردهای *اردویراف* مشاهدات او بر پایه مشاهده روان انسان‌های گناهکار یا انسان‌های نیکوکار استوار است. برای نمونه، فرگرد ۱۷ *اردویرافنامه* به مشاهدات روان‌های گناهکاران که در اندیشه، گفتار و کردار بد هستند، اختصاص یافته است (اردویرافنامه، ص ۶۰). در این فرگرد، مراتب و طبقات دوزخ، یعنی دوزخ اندیشه بد، دوزخ گفتار بد، و دوزخ کردار بد و چهارمین پایه دوزخ اصلی به تصویر کشیده شده است (همان، ص ۶۲).

بهشت توصیف شده در *اردویرافنامه* همانند دوزخ مراتب و طبقاتی دارد. این بهشت عبارت از چهار آسمان، ستارگان، ماه، خورشید و سرای ایزدی یا «گرزمان» (به‌معنای نور بی‌پایان) و جایگاه/هورا/مزداست. در این جایگاه *ویراف* به مقام «همپرسگی» با *اورمزد* می‌رسد و پس از شنیدن سخنان او، موظف می‌شود به جهان خاکی بازگردد و مشاهدات و شنیده‌هایش را به مردم برساند (محمدی و نظری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸).

سفر/ ارداویراف در شرایط و زمینه‌های خاصی شکل گرفت که این زمینه‌ها و شرایط مبین دلایل شکل‌گیری سفر ویراف است. پس از یورش/ اسکندر، دامنه آشوب‌ها، ناسامانی‌ها و تباهی‌ها در ساحت باورها اثر گذاشت و آن آشفته‌گی‌های سیاسی منجر به آشفته‌گی و تشویش باورهای دینی نیز شد. در نتیجه چنین شرایطی مردمان چاره‌جو گشایش کارشان را از آتشکده «آذرفرنبغ» جست، بر درگاه آن گرد آمدند (بیگزاده و زندی‌طلب، ۱۳۹۶، ص ۶۰).

درواقع یکی از اهداف این سفر روحانی، تحکیم پایه‌های حکومت ساسانی از طریق تقویت باورهای اعتقادی مردم بوده است. از دیگر اهداف این سفر، اصلاح جامعه است. در جامعه‌ای که مدام درگیر ناامنی داخلی، جنگ و تهدیدات خارجی است، مردم خودخواه‌تر از پیش می‌شوند و منفعت شخصی جایگزین منافع اجتماعی می‌گردد. در چنین جامعه‌ای رذیلت‌های سرکوب شده و پنهان مجال بروز پیدا می‌کند. برای اصلاح چنین جامعه‌ای تجسم دوزخ به ترسناک‌ترین و ملموس‌ترین وجه آن می‌تواند در اصلاح انحرافات تأثیرگذار باشد (بازگیر و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۷-۳۹).

فرجام زنان و مکافات اعمال آنان در ارداویراف‌نامه

حضور زنان به دو شکل در متن *ارداویراف‌نامه* دیده می‌شود: یکی زن «اهلو» (زن پرهیزکار، درستکار، نیکوکار) و دیگری زن «دروند» (زن بد، ناپاک و گناهکار). نخستین زنانی که در متن *ارداویراف‌نامه* به آنها اشاره شده زنان ویراف هستند که هفت نفرند و هر هفت تن خواهران اویند که به آیین مقدس «خویدوده» (ازدواج با محارم) به همسری او درآمده‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶). ازدواج «خویدوده» از مباحث مورد تأکید در متون پهلوی است. در فتواهای حقوقی این متون از این رسم به‌عنوان یکی از عوامل اساسی خوشبختی انسان‌ها یاد کرده‌اند. سفارش به این ازدواج بیشتر به‌سبب حفاظت از خون و نژاد صورت گرفته است (کامجو، ۱۳۹۹، ص ۷۲).

گناهان زنان در *ارداویراف‌نامه* انواع گوناگونی دارد. بسیاری از آنها مستقیماً با جنسیت زنان در ارتباط است؛ مانند خیانت به شوهر و روسپیگری. دوم. گناهی است که به‌نوعی با مسئله «دستان» (عادت ماهانه) مرتبط است و بر تخطی زنان از انبوه بایدها و نبایدهایی دلالت می‌کند که در این دوران برای زنان وضع شده است. برای نمونه، در این دوره چون زن موجودی ناپاک به‌شمار می‌آید باید از مقدساتی نظیر آتش، آب، باران و ارتباط با شوهر پرهیز کند.

در فرگرد ۷۲/ *ارداویراف‌نامه* در این زمینه آمده است: «دیدم روان زنانی که دستان خویش می‌خوردند. پرسیدم که این تن‌ها چه گناهی کردند که روان آنها چنین پادفرا گرانی را تحمل می‌کند؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: این روان زنانی است که پرهیز دستان خود نکردند و آب و آتش و سپندارمذ، زمین، خرداد، و امرداد را آزرندند و مرد اهلو را ریمن (ناپاک) داشتند» (ژینیو، ۱۳۷۲، ص ۸۴).

سوم. گناه جادوگری، و چهارم. گناه مادرانی است که از شیر دادن به نوزاد خود (یا به‌علت سبک‌سری و یا به علت فقر) خودداری کرده‌اند. پنجم. گناه سقط جنین.

نوع دیگر، گناهی است که ارتباطی به جنسیت زنان ندارد (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). در *اردو ویرافنامه* با تفکیک جنسیتی که در خصوص گناهان ارائه شده، مجازات‌های زنان در موارد متعدد سنگین‌تر از مردان قلمداد گردیده و گاهی به‌طور غیرمستقیم زنان عامل برهم خوردن نظم اجتماع معرفی گردیده‌اند. نویسنده در این متن با تفکیک جنسیتی و با موضع جانبدارانه نسبت به مردان، به نوعی معراج و سفر معنوی را نیز مختص مردان دانسته است. در واقع *ویراف* مشکلات اجتماعی و تنش‌های اخلاقی روزگار خود را در قالب این معراج‌نامه بیان نموده است (کامجو، ۱۳۹۹، ص ۱۳).

در فرگرد پنجم *اردو ویرافنامه*، تقابل جهنم و بهشت، با عباراتی همچون تاریکی، تنگی، درد، بیماری، رنج، تعفن و ترسناک برای جهنم، و واژگانی نظیر روشنی، آسایش، فراخی، رامش، شادی، خوشبویی برای بهشت به تصویر کشیده شده است (ژینیو، ۱۳۷۲، ص ۵۰). اما کسانی که ثواب و گناه آنان با هم برابر است در برزخ یا «همستگان» جای می‌گیرند (همان، ص ۵۱). در *اردو ویرافنامه* برای تبیین مقام و درجات نیکوکاران سه درجه «ستاره پایه»، «ماه پایه» و «خورشید پایه» در نظر گرفته شده که - به ترتیب - متعلق به دارندگان «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» است.

نکته درخور تأمل اینکه گام سوم یا مرتبه خورشید پایه در فرگرد نهم به روان پادشاهان و کارگزاران خوب تعلق گرفته است: «چون گام سوم را با کردار نیک فراز نهادم، آنجایی که کردار نیک جای دارد آن را بالاترین روشنی بالاترین روشنی‌ها خواندم... سروش اهلو و آذریزد گفتند: این جای، خورشید پایه و ایشان روان‌های کسانی هستند که در گیتی پادشاهی خوب و دهبیدی و سالاری کردند» (همان، ص ۵۳).

به نظر می‌رسد *ویراف* مشکلات اجتماعی و تنش‌های اخلاقی روزگار خود را در قالب این معراج‌نامه بیان نموده و کوشیده است تا از دیدگاه دینی بتواند به جامعه عصر خویش کمکی برساند؛ به این معنا که مضامین این معراج‌نامه بازتاباننده رویدادهای اجتماعی و فرهنگی آن زمان بوده است.

در فرگرد ۱۳ چنین آمده است:

دیدم روان زنان با بسیار اندیشه نیک، با بسیار گفتار نیک و با بسیار کردار نیک... که شوهر خود را سالار دارند. پرسیدم: این روان‌ها کدامند؟ سروش اهلو و آذریزد گفتند که اینها روان زنانی هستند که در گیتی آب را خشنود کرده‌اند، زمین، گیاه، گاو، گوسفند و همه آفریده‌های خوب دیگر اورمزد را خشنود کرده‌اند. اینها... خضودی و پرستش ایزدان را به‌جای آوردند... و یگانگی و ترس، آگاهی (احترام) و فرمانبرداری شوهر و سالار خویش را انجام دادند و بر دین مزدیسان بی‌گمان بودند بر ثواب کردن و پرهیز کردن از گناه کوشا بودند (همان، ص ۵۵-۵۶).

در *اردو ویرافنامه* برای عدم پایبندی زنان و مردان به اصول اخلاقی، مجازات‌های دشواری در نظر گرفته شده است. در فرگرد ۶۰ چنین آمده: «دیدم روان مردی که تن او را در دیگی رویین کرده‌اند و آن را می‌پزند. پای راست او بیرون آن دیگ بود. پرسیدم که این تن چه گناه کرد؟ سروش اهلو (پاک) و ایزد آذر

گفتند که این روان آن مرد دروند (بدکار) است که در میان زندگان با میل به شهوت و با بدی سوی زن شوهردار بسیار رفتی» (همان، ص ۷۸).

در *ارداویرافنامه* رعایت معیارها و شاخص‌های اخلاقی برای هر دو گروه مردان و زنان الزامی است و مجازات سوءاستفاده مردان از ناآگاهی زنان به این صورت بیان شده است:

دیدم روان مردی که مارها مژه او را می‌گزیدند و می‌جویدند و به هر دو چشم مار و کرم می‌ریزند و میخی آهنین بزبان او رسته بود. پرسیدم که این تن چه گناه کرده که روان اینگونه گران بادافراگرانی را متحمل می‌شود؟ سروش اهلو و ایزد آذر گفتند که این روان آن مرد دروندی (گناهکار) که عمل لواط بسیار کرد و به دلیل میل به شهوت بد با زن کسان (دیگر) هم‌خوابی کرد و با چرب‌زبانی خویش، زنان دیگر را فریفت و گمراه کرد و از شوهر جدا کرد (همان، ص ۸۳).

هرچند ساختار فکری *ارداویرافنامه* بر اطاعت زن از مرد تأکید نموده و بر این مبنا شکل گرفته، اما رعایت اخلاقیات و پایبندی و تعهد به خانواده را به هر دو گروه زن و مرد متذکر شده است. به نظر می‌رسد این امر و عدم پایبندی اخلاقی مردان و زنان و آسیب دیدن خانواده‌ها در برخی نقاط در جامعه زردشتی از جمله آسیب‌های اجتماعی آن روزگار بوده، و بدین رو در *ارداویرافنامه* بارها از مجازات‌های مربوط به این آسیب‌ها سخن گفته شد است.

جدول (۱): گزیده‌ای از شباهت‌های ارداویرافنامه با معراج پیامبر ﷺ

سفر ارداویراف	معراج پیامبر ﷺ
انتخاب ارداویراف براساس شایستگی‌های بی‌گناه بودن و خوشنامی (ژنیو، ۱۳۷۲، ص ۴۲).	گزینش پیامبر ﷺ برای معراج بر مبنای شایستگی‌ها (مکارم شیرازی و دیگران، بی‌تا، سوره اسراء، آیه ۱).
رهاورد سفر ویراف نجات‌بخشی قوم و هدایت تردیدهای ناباوران به سوی یقین (یک‌زاده و زندی‌طلب، ۱۳۹۶، ص ۷۱).	علت این سفر مشاهده آیات الهی و آگاهی‌بخشی آنان به مردم برای برطرف‌کردن شک و تردید ناباوران و ناکار کافران (عباسی و بهمنی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۲).
درآمیختگی با اولوهیت از طریق راهیابی ویراف به بارگاه اورمزد (ژنیو، ۱۳۷۲، ص ۹۴).	درآمیختگی با الوهیت (ابن‌سینا، ۱۳۶۶، ص ۱۱۶).
نماز ویراف با سروش اهلو و آذر ایزد و همچنین با اهلوان (همان، ص ۴۸ و ۵۰).	نماز خواندن با انبیا الهی (عباسی و بهمنی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۲).
دیدار با فرشتگان (یک‌زاده و زندی‌طلب، ۱۳۹۶، ص ۶۱ همان، ص ۵۱).	دیدار با فرشتگان (همان، ص ۲۵۲).
دوزخ و عذاب‌ها و طبلات آن (ژنیو، ۱۳۷۲، ص ۵۹).	دوزخ و عذاب مردم گناهکار (ابن‌سینا، ۱۳۶۶، ص ۱۱۰).
همراهی سروش اهلو و آذر ایزد با ارداویراف (همان، ص ۴۸ و ۵۰).	همراهی جبرئیل با پیامبر ﷺ (همان، ص ۱۰۳).
آویختن زنان خیانتکار و آویختن آنها به سینه‌هایشان (همان، ص ۶۵).	مجازات زنان خیانتکار به همسر و آویختن آنها را سینه‌هایشان (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱-۲۰۲).

جدول (۲): گزیده‌ای از تفاوت‌های ارداویرافنامه با معراج پیامبر ﷺ

سفر ارداویراف	معراج پیامبر ﷺ
مکان سفر ویراف آتشکده آذرفرینغ فارس بود (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵).	مکان سفر پیامبر ﷺ از مسجدالاقصی به مکه بوده است.
ویراف پس از نوشیدن می‌و منگ به معراج می‌رود (همان، ص ۱۴۴).	پیامبر ﷺ در خلال سفر از نوشیدن شراب پرهیز کرد و به اشارت جبرئیل شیر نوشید (ابن‌سینا، ۱۳۶۶، ص ۱۰۶).
در «ارداویرافنامه» گناهان مربوط به مسئله دستان (عادت ماهیانه) است (ارداویرافنامه، فرگرد ۲۰، ص ۶۳).	در این زمینه گناهی درباره زن وجود ندارد.
غلبه صفت تاریکی بر آتشیین بودن در توصیف دوزخ (ژنیو، ۱۳۷۲، ص ۷۶ و ۹۳ و ۸۶).	-
طول سفر ارداویراف و بازگشت او به تن پس از ۷ شبانه روز صورت می‌گیرد (یک‌زاده و زندی‌طلب، ۱۳۹۶، ص ۶۷).	طول سفر پیامبر ﷺ یک شب بوده است (همان، ص ۱۱۹).
ارداویراف پس از این سفر و کشف و شهود، صلاحیت پیامبری اورمزد را پیدا می‌کند (محمدی و نظری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸).	پیامبر قبل از معراج، به مقام رسالت مبعوث شده بود.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی روایت معراج پیامبر ﷺ با *رداویراف‌نامه* نشانگر همسانی‌ها و متن‌آمیزی این دو رویداد، به‌ویژه از منظر فرجام‌شناسی است. برخی از این وجوه شباهت مربوط به اهداف و دلایل تکوین این سفرهاست. بروز شک و انکارهای مخالفان، وجود آسیب‌های اجتماعی و برخی مفاسد اخلاقی و کنش‌های خطاکاران زمینه‌های این سفرهای معنوی را رقم زد. برخی دیگر از همسانی‌ها به توصیفات بهشت و دوزخ، مجازات گناهکاران، پاداش نیکوکاران و سلسله مراتب آنها مربوط می‌شود. این شباهت‌ها همچنین یادآور ضرورت مکافات عمل و رابطه تکلیف و پاداش، معناداری هستی و باورمندی به رستاخیز است. طرفه آنکه این بررسی حاکی از آن است که از منظر فرجام‌شناسی، جهات جامع میان ادیان از جهات فارق آن کمتر نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن سینا، ۱۳۶۶، *معراج‌نامه*، به تصحیح نجیب مایل هروی، چ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام، ۱۳۸۳، *سیرت رسول‌الله* (ترجمه سیرت ابن اسحاق)، ترجمه رفیع‌الدین بن اسحاق بن محمد همدانی (قاضی ابرقوه)، چ سوم، تهران، مرکز.
- ایزدی، مهدی و باب‌الله محمدی نبی‌کندی، ۱۳۹۴، «تحلیل و بررسی تطبیقی معراج پیامبر از دیدگاه مایکل سلز و آنه ماری شیمل با نگاه درون مذهب»، *الهیات تطبیقی*، ش ۱۳، ص ۵۸-۴۳.
- بازگیر، نورالدین، علی حیدری، محمدرضا حسنی جلیلیان و علی نوری خاتونبانی، ۱۳۹۷، «بررسی و تحلیل اهداف و ویژگی‌های پنج سفرنامه روحانی (گیلگمش، ارداویراف‌نامه، افسانه ارافلاطون، سیرالعباد سنایی، کمدی الهی دانتِه)»، *متن پژوهی ادبی*، ش ۷۶، ص ۳۳-۶۰.
- بیگزاده، خلیل و احسان زندی‌طلب، ۱۳۹۶، «تحلیل سفر روحانی ویراف در ارداویراف‌نامه براساس الگوی کمبل»، *جستارهای نوین ادبی*، ش ۱۹۶، ص ۵۵-۷۶.
- تورانی، اعلا و منیره سلطان‌احمدی، ۱۳۹۳، «کندوکاوی پیرامون فرجام‌شناسی از دیدگاه پل تیلیش»، *جستارهای فلسفه دین*، ش ۴۷، ص ۱-۱۹.
- حاجی‌زاده، مجید، ۱۳۹۱، «بازتاب معراج پیامبر ﷺ در شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن هشتم»، *عرفانیات در ادب فارسی (ادب و عرفان)*، ش ۱۱، ص ۶۵-۸۸.
- حسن‌زاده، مهدی و زهره زهانی‌زهان، ۱۳۸۹، «فرجام‌شناسی زردشتی»، *پژوهش دینی*، ش ۲۰، ص ۲۳۹-۲۶۰.
- دهقان‌زاده، سجاد، سیمین یاری و نسترن حبیبی، ۱۳۹۸، «فرجام‌شناسی انسان با توجه به مهابهاراتا و ارداویراف‌نامه»، *معرفت ادیان*، ش ۴۱، ص ۱۰۱-۱۱۸.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *در قلمرو وجدان*، تهران، علمی.
- ، ۱۳۷۱، *پله پله تا ملاقات خدا*، چ دوم، تهران، علمی.
- ژینو، فیلیپ، ۱۳۷۲، *ارداویراف‌نامه*، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران، معین.
- سرامی، قدم‌علی و سلما ساعدی، ۱۳۸۹، «سیری در معراج‌نامه‌ها و سفرنامه‌های شهودی»، *تحقیقات زبان و ادب فارسی*، ش ۳، ص ۷۹-۱۰۹.
- سرگلزایی، علی، ۱۳۷۹، «بهشت و دوزخ در دین زردشتی»، *دانشکده ادبیات مشهد*، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۰۳-۳۱۹.
- سگای، ماری‌رز، ۱۳۸۵، *معراج‌نامه*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- سلطانی، سیما، ۱۳۸۴، «گناهان زنان در ارداویراف‌نامه»، *پژوهش زنان*، ش ۱۳، ص ۱۴۳-۱۵۴.
- سلطانی، منظر و کلثوم قربانی‌جویباری، ۱۳۹۲، «تحلیل مقایسه‌ای ارداویراف‌نامه، سیرالعباد، کمدی الهی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۲۸، ص ۳۹-۶۶.
- شاکر، کریم، ۱۳۸۶، «تحلیل اسطوره سدره‌المتنه در متون اصیل عرفانی»، *ادیان و عرفان*، ش ۱۲، ص ۱۳۳-۱۴۹.
- شیمل، آنه‌ماری، ۱۳۸۳، *محمد رسول خدا*، ترجمه حسن لاهوتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ضراغ، ادهم و ندا عظیمی، ۱۳۹۵، «مطالعه تطبیقی شرایط اجتماعی - سیاسی تأثیرگذار بر شکل‌گیری کمدی الهی دانتِه و معراج‌نامه»، *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ش ۹، ص ۲۷-۵۸.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، *تفسیر المیزان*، ج ۱۳، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- عباسی، علی و کبری بهمنی، ۱۳۹۷، «مقایسه سطوح معنایی معراج پیامبر ﷺ و سفر اسکندر»، *متن پژوهی ادبی*، ش ۷۶، ص ۲۴۰-۲۶۶.

عطار نیشابوری، ۱۳۶۱، *اسرارنامه*، تصحیح سید صادق گوهرین، چ دوم، تهران، زوار.
کامجو، سهیلا، ۱۳۹۹، «*متن‌شناسی و تحلیل قوانین حقوقی زنان در آیین زردتستی از اواخر دوره ساسانی تا پایان قرن چهارم هجری قمری*»، رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب، رشته تاریخ گرایش ایران باستان.
گواهی، احمدرضا و حشمت‌السادات معینی‌فر، ۱۳۹۸، «نگاهی به خدانشناسی و فرجام‌شناسی در دین اسلام و آیین سبک»، *تحقیقات کلامی*، ش ۲۵، ص ۷-۲۴.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۳۷۹، *معراج پیامبر اسلام*، به کوشش مرتضی جنتیان، اصفهان، کانون پژوهش.
محمّدی اشتهدادی، محمد، ۱۳۷۶، *سیمای معراج پیامبر اسلام از دیدگاه‌های گوناگون*، قم، حوزه علمیه.
محمّدی، گردآفرین و جلیل نظری، ۱۳۸۷، «مقایسه نگاه ارداویراف‌نامه و رساله‌الغفران در دنیای پس از مرگ»، *ادبیات تطبیقی*، ش ۸، ص ۱۹۵-۲۱۱.

مکارم شیرازی و دیگران، بی‌تا، *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
مکاریک، ایرناریما، ۱۳۸۵، *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مه‌شان مهاجر و محمد نبوی، تهران، آگه.
میرزایی، علیرضا، ۱۳۹۷، «رویکرد انتقادی به نگاه اندیشمندان اسلامی درباره معراج»، *انسان پژوهی دینی*، ش ۴۰، ص ۱۸۵-۲۰۹.
ناس، جان، ۱۳۶۹، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

